

## هنر دایاسپورایی به مثابه عامل هویت‌سازی جماعتی

### چکیده

امروزه حدود ۲۰۰ میلیون نفر در حالت مهاجرت در جهان زندگی می‌کنند که از این رقم بخش اعظم آنها در میان کشورهای جهان سوم در جابه‌جایی بوده‌اند و تنها بخش کوچکی به کشورهای توسعه‌یافته راه می‌یابند. سیستم جهانی در طول چند دهه اخیر بیش از پیش سبب شده است که مهاجرت و شکل‌گیری جماعت‌های ملی خارج از مرزهای ملی، بر اساس سلسله‌مراتبی از قابلیت‌ها و توانایی‌ها انجام گیرد که نخبگان را به سوی کشورهای ثروتمند می‌کشاند. این فرایند که موسوم به «فرار مغزها» است، نه فقط جریانی از کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای توسعه‌یافته بلکه از بخشی از کشورهای توسعه‌یافته با امکانات کمتر (اروپا)، به سوی بخشی دیگر با امکانات بیشتر (آمریکا) نیز به وجود آورده است. اما در هر دو موقعیت توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه، نیاز به حفظ هویت مبدأ و یا بازیابی آن در نسل‌های دوم و سوم مهاجر، سازوکارهای فرهنگی-هنری را به ابزاری مهم برای شکل دادن و تولید و بازتولید این هویت بدل می‌کند. زبان که در قالب‌های گوناگون هنری، ادبیات، متون رسانه‌ای، مطبوعات و غیره نقش محوری را در این بازتولید بر عهده دارد، در فرایند کنونی جهانی شدن در حال ترکیب و ایجاد پیوندهای هرچه پیچیده‌تر با سایر ابزارهای فرهنگی به‌ویژه ابزارهای تصویری است. سینما، عکس، رسانه‌های الکترونیک، نمونه‌هایی از این ابزارها است. از این رو خلاقیت هنری در چارچوب دایاسپورایی، بر سر موقعیتی دو گانه قرار می‌گیرد: تعریف هنرمند در قالب یک سوژه مستقل که از حافظه تاریخی-فرهنگی جدا شده و تعلق‌های قومی-فرهنگی خود را کنار گذارد، و یا تعریف او در قالبی جماعتی برای کمک به بازتولید هویت و یا به‌صورتی متناقض برای تسخیرزدایی از هنر مهاجر. این فرایند با دخالت بازار اقتصادی هنر از یک‌سو و تلفیق این بازار با روند «بیگانه‌گرا» که جماعت‌ها و وقایع اغلب فاجعه‌بار جهانی برایشان بهانه‌ای در تقویت بازار و تولید آثار هنری مورد تقاضاست، وضعیت پیچیده‌تری به وجود آورده و هنرمند دایاسپورایی را با موقعیتی سخت‌تر روبرو می‌کند. در این مقاله تلاش خواهد شد پایه‌های نظری موضوع با اشاره به وضعیت کنونی کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص ایران، در حد امکان شکافته شود تا راه برای مطالعات بعدی در زمینه دایاسپورای ایرانی و ابزارهای بیان آن، که خارج از ایران آغاز شده است، هموارتر شود.

**واژه‌های کلیدی:** انسان‌شناسی مهاجرت، انسان‌شناسی هنر، بیان ادبی، دایاسپورا، رسانه‌ها، مهاجرت، هنر سیاسی

دکتر محمد شهبیا

## روایت و روایت‌گری

### چکیده

واژگان و اصطلاحاتی که در حیطهٔ روایت‌شناسی به کار می‌رود از سه زبان روسی، فرانسوی، و انگلیسی گرفته شده است. به همین دلیل، ترجمهٔ این واژگان تفاوت‌های معنایی را در متون متعلق به این رشته پدید آورده است. دو واژهٔ «روایت» (narrative) و «روایت‌گری» (narration) از بنیادی‌ترین اصطلاحات این رشته از دانش بشری است که گاهی در متون مربوطه میان آنها تمایز نگذاشته‌اند و موجب بدفهمی مباحث شده‌اند. در این مقاله علاوه بر بررسی معانی متفاوتی که در متون دست اول این حیطه آمده، از جمله منابعی که روایت را از دیدگاه زبان‌شناختی یا نشانه‌شناختی نگریسته‌اند، تحلیل انتقادی این تعاریف نیز صورت گرفته و تلاش شده است تا تعاریفی جامع‌تر برای آنها پیشنهاد گردد.

واژه‌های کلیدی: روایت‌شناسی، روایت، روایت‌گری، روایت در فیلم، روایت‌گری در فیلم

علی اکبر علیزاد

## ضد رثالیسم، زبان، و امر مسلط در اولئانا

### چکیده

نمایشنامه اولئانا نوشته دیوید ممت، به رغم که این در دهه ۱۹۹۰ میلادی مباحثات بسیار فراوانی را پیرامون مسئله آزار جنسی و آموزش دانشگاهی برانگیخت، از نظر ساختار دراماتیک کمتر مورد بحث منتقدین قرار گرفت. بعد از فروکش کردن موج اول نقدها و تفاسیر نظری، توجه به لایه های عمیق تر نمایشنامه رفته رفته جای خود را در مباحث نقد نمایشی باز کرد. به عقیده بسیاری از منتقدین، اولئانا چه از حیث ساختار و چه از حیث درونمایه، یکی از مهم ترین نمایشنامه های ممت محسوب می شود. هدف این مقاله پرداختن به همین موضوع و شکافتن ابعاد جدیدتری از نمایشنامه است که تا به حال کمتر مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله نشان می دهد که اولئانا به رغم ظاهر رثالیستی اش، در نهایت نمایشنامه ای است که سازوکارهای رثالیسم را خدشه دار می کند و از این حیث به سنت نمایشنامه نویسان مدرنی چون آلبی و پینتر تعلق دارد. روش تحقیق این مقاله کتابخانه ای بوده و نتیجه گیری پایانی آن، معطوف به ارائه تصویری از نمایشنامه است که بیشتر تراژیک است تا ملودراماتیک.

واژه های کلیدی: ضد رثالیسم، زبان، امر مسلط، جنسیت، تراژیک

دکتر محمدرضا حسنائی

## نکاتی پیرامون بازیگری در انیمیشن

### چکیده

این مقاله به بحث درباره تأثیر آشنایی انیماتورها با فنون بازیگری در ساخت فیلم‌های موفق انیمیشن می‌پردازد. مسلماً شناخت یک انیماتور از هنر بازیگری با شناختی که یک بازیگر تئاتر از این هنر دارد، متفاوت است و باید هم چنین باشد. تلاش نویسنده بر این است تا محدوده و نوع شناخت انیماتورها را از هنر بازیگری به تصویر کشد. تقسیم بازیگری در انیمیشن به دو بخش «بازی باورپذیر» و «بازی جالب و دیدنی» علاوه بر اینکه به صورت یک قاعده در انیمیشن پذیرفته شده است، در مشخص کردن مرزهای بازیگری در انیمیشن با دیگر هنرها به‌کار می‌آید. این موضوع امروزه از اساسی‌ترین مباحث در تولید فیلم‌های انیمیشنی است، ولی تعداد منابع مدون در این باره بسیار اندک است. سعی بر این بوده است تا با ذکر آراء و نظرات عده‌ای از موفق‌ترین انیماتورها و دست‌اندرکاران هنر انیمیشن، به همراه بحث تئوریک درباره مسئله بازیگری، تأثیر عملی آن بر تولیدات انیمیشنی بررسی شود. روش تحقیق در این مقاله بر پایه مقایسه تحلیلی روش‌های آفرینش یک بازی موفق انیمیشن، استوار گردیده است. نتیجه‌گیری حاصل از این مقاله نیز بر لزوم دقت نظر بر مسئله بازیگری در انیمیشن تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: کاراکتر، بازیگری، شخصیت، انیماتور

## پنجره‌های کانونی‌شدگی: بررسی مکانیسم «پنجره‌های کانونی‌شدگی» راوی

### در فیلم ساعتها اثر استفان دالدری

#### چکیده

در روایت‌شناسی، کانونی‌شدگی به زاویه دیدی اشاره دارد که مخاطب از درون آن، حوادث و اتفاقات داستان را می‌بیند و فضای روایت، افکار، احساسات، آلام و نگرشهای شخصیت‌ها را درک می‌کند. از آن گذشته، یان (۱۹۹۶) در نظریه کانونی‌شدگی خود اصطلاح «پنجره‌های کانونی‌شدگی» را مطرح می‌کند. بر طبق نظر یان، در پنجره‌های کانونی‌شدگی، راوی و کانون‌کنندگان پنجره‌هایی خیالی به سوی حوادث و اتفاقات روایت می‌گشایند. همواره باز شدن این پنجره‌ها توأم با ظهور علامت‌هایی است. بر این اساس، در این مقاله نگارنده تلاش می‌کند تا به بررسی فیلم ساعتها از منظر پنجره‌های کانونی‌شدگی بر طبق مدل یان (۱۹۹۶) بپردازد. سؤالی که این مقاله سعی در پاسخ دادن به آن دارد این است که چه الگوهایی منجر به جابه‌جایی پنجره‌های کانونی‌شدگی راوی می‌شود؟ یا به تعبیری دیگر، چه نشانه‌هایی به هنگام باز شدن هر یک از پنجره‌های راوی در فیلم ظاهر می‌شود؟ در نهایت خواهیم دید که مهمترین ابزارهای ارتباط‌دهنده پنجره‌های راوی به یکدیگر عبارتند از: ۱. صداها، اعم از موسیقی فیلم، صداها، طبیعت و محیط، صداها، مربوط به خانه‌ها، صدای شخصیت‌ها و صدای ساعت؛ ۲. نمادهای ارتباط‌دهنده مانند گل، رمان خانم دالووی و کیک؛ ۳. کارها، حالات و یا جملات مشترک شخصیت‌ها؛ و ۴. عوامل متفرقه مانند تیتراژ.

واژه‌های کلیدی: پنجره‌های کانونی‌شدگی، روایت، راوی، فیلم ساعتها، کانون ۲

## فرم ترکیبی نوبت در موسیقی مردمی فرهنگ‌های ایرانی

### چکیده

مبحث فرم در موسیقی را می‌توان هم از نظر خُردساختاری و هم از نظر کلان‌ساختاری بررسی کرد. از نظر کلان‌ساختاری، در فرهنگ‌های موسیقایی مختلف، فرم‌های معینی وجود دارد که از پیوستن چند قطعه مشخص تشکیل می‌شوند. این فرم‌های ترکیبی در ادبیات قوم‌موسیقی‌شناسی معمولاً «سوئیت» یا «سیکل» نامیده می‌شوند، اما در مورد موسیقی ایرانی و به تاسی از رسالات قدیمی این نوع موسیقی، می‌توان آن را نوبت نامید. فرم نوبت یکی از مهم‌ترین فرم‌ها در موسیقی‌های کلاسیک حوزه ایرانی - عربی - ترکی است، اما همچنین می‌توان آن را در موسیقی‌های مردمی، به‌خصوص موسیقی‌های مردمی فرهنگ‌های ایرانی، یافت. اصلی که بر اغلب نوبت‌ها در موسیقی‌های کلاسیک حکمفرماست عبارت است از ایجاد تنش و آرامش به‌طور متوالی. برخی از نوبت‌های مردمی از این اصل تبعیت نمی‌کنند، اما برخی دیگر، به‌ویژه نوبت‌هایی که در مراسم شادمانی اجرا می‌شوند، کاملاً با این اصل تطابق دارند؛ هرچند جهت توالی تنش و آرامش در آنها با جهت این توالی در نوبت‌های کلاسیک متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: نوبت، موسیقی کلاسیک، موسیقی مردمی

دکتر محمدرضا آزاده‌فر

## بررسی تطبیقی اکسنت‌ها در کنش‌های پرئودیک درام و موسیقی

### چکیده

چندوجهی بودن مسائل مربوط به «انسان»، نیاز به ابزارهایی با قابلیت مطالعه چندوجهی برای شناخت و بررسی مسائل مرتبط به وی را اجتناب ناپذیر می‌نماید. در مطالعه حاضر نیز به جهت پیچیدگی فرایند ادراک پرئودها در آثار هنری، از یک بررسی بینارشته‌ای استفاده شده که در اینجا درام و موسیقی است. مطالعه اکسنت‌ها به صورت تطبیقی در هنرهای تجسمی، دراماتیک و موسیقی نشان می‌دهد چگونه ساختار کلی هنرها در مراحل خلق و ادراک از اصول مشترکی پیروی می‌کنند. بررسی منابع اکسنت‌ها در هنرهای دراماتیک و موسیقی، که در این مقاله به آن پرداخته شده، بیانگر گستردگی طیف ابزارها و تنوع آنها برای ایجاد تنوع و برجستگی است. شاخص‌های اصلی عوامل صوتی، تصویری و دراماتیک به همراه تأثیرات متقابل اکسنت‌ها بر روی هم بخش پایانی این مطالعه را شکل می‌دهد. در این دو بخش چگونگی ایجاد پرئودها در هنرهای دراماتیک و موسیقی به همراه نمونه‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی، شرایط متنوع ترکیب عوامل صوتی، تصویری و دراماتیک در بافت کلی اثر در چهار وضعیت مختلف «انطباق کامل»، «وضعیت نامنظم یا عدم انطباق»، «کنتراپونتیک» و «هارمونایز یا انطباق دو عامل در مقابل حرکت مستقل عامل سوم» بررسی می‌شوند. در پایان این بررسی و به عنوان نتیجه نهایی، مؤلف دیگرامی را پیشنهاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اکسنت، درام، موسیقی، کنش، مطالعه تطبیقی

## بررسی نشانه‌شناسی موسیقی ایرانی در نمایش تعزیه

### چکیده

در آیین تعزیه، موسیقی به دو شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد: ۱- موسیقی آوازی، ۲- موسیقی سازی یا غیرآوازی. موسیقی مذکور، موسیقی ایرانی است که دارای ژانرهای متعددی است. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی به نگارش درآمده، موسیقی آیین تعزیه به مثابه یک متن، که از لایه‌های مختلف شکل گرفته، براساس نظریه نشانه‌شناسی لایه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. با تکیه بر نشانه‌شناسی لایه‌ای می‌توان کلیه لایه‌های متفاوت پدیدآورنده یک متن چند رسانه‌ای را در تعامل با یکدیگر و در نظام شبکه‌ای، که تولید و دریافت متن را ممکن کرده است، بررسی کرد. مفاهیم بنیادین نشانه‌شناسی لایه‌ای مانند متن، بافت، بافت‌سازی، بافت‌زدایی و ساختار سلسله مراتبی متن، چارچوب اصلی مباحث این مقاله را شکل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: موسیقی ایرانی، تعزیه، نشانه‌شناسی لایه‌ای